

الزامات و استراتژی‌های تدوین و اجرا در خصوصی سازی آموزش عالی و ارائه پیشنهادهای اصلاحی برای آن

ولی محمد درینی

احسان نامدار جویمی

چکیده

این پژوهش به دنبال بررسی استراتژی‌های تدوین و اجرای سیاست‌های خصوصی سازی آموزش عالی است. از این رو استراتژی‌ها و برنامه‌ها و سیاست‌های این بخش (تدوین و اجرا) بر اساس مصاحبه و اسناد و مدارک (ادبیات و پیشینه پژوهش) مرور شد و برای هر کدام راهکارهای پیشنهادی و اصلاحی آورده شده است. این پژوهش، به صورت مروری (انتزاعی) و کتابخانه‌ای به همراه مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته است که با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی (تحلیل محتوا) از نوع تحلیل مضمون انجام شده است. در این راستا ابتدا عوامل دخیل رشد خصوصی سازی (تدوین و اجرا) آموزش عالی در جهان و ایران شناسایی شد و در ۲۲ محور دسته‌بندی شدند و برای هر کدام پیشنهادها و راهکارهایی اصلاحی آورده شده است. سپس الزامات خصوصی سازی آموزش عالی در ایران در بخش تدوین و اجرا آورده شد و در ۸ محور کلی قرار گرفتند و متناسب با هر بخش الزامی در تدوین و اجرا (الزامات سیاست‌گذاری و راهبردی - الزامات قانونی - الزامات مالی و اقتصادی - الزامات آموزشی و پژوهشی - الزامات مدیریتی و سازمانی - الزامات اجتماعی و فرهنگی - الزامات زیرساختی - الزامات ارتباطی) بخشی به عنوان اجرا و پیشنهادها و راهکارهای اصلاحی اجرایی برای بخش تدوین و اجرا آورده شده است. در ادامه نیز موانع تدوین و اجرا در ۶ محور (موانع قانونی - موانع اقتصادی - موانع سیاسی - موانع ساختاری اداری - موانع آموزشی - موانع فرهنگی و اجتماعی) دسته‌بندی شدند و پیشنهادها راهکارهای اصلاحی در جهت برخورد با موانع به تفکیک هر بخش آورده شده است.

واژه‌های کلیدی: اجرای سیاست خصوصی سازی، تدوین سیاست خصوصی سازی، خصوصی سازی، راهکارهای اصلاحی، نظام آموزش عالی

استادیار گروه مدیریت دانشگاه پیام نور واحد لواسانات، تهران، ایران.

دانشجوی دکترای مدیریت منابع انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. (نویسنده مسئول)

davood.joyame@gmail.com

مقدمه

از دیدگاه نیکلسکو^۱ (۲۰۰۹) امروزه تحولات بزرگی در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و وضعیت آموزش عالی^۲ در سراسر جهان روی داده است. تغییراتی همچون خصوصی‌سازی^۳، تنوع‌گرایی، دوری از تمرکزگرایی، بین‌المللی و چندملیتی شدن و رقابت در آموزش عالی بر عملکرد مؤسسات آموزش عالی تأثیر زیادی گذاشته است (آراسته و جمشیدی، ۱۳۹۳). آموزش عالی در مقایسه با سایر دوره‌های آموزشی سطح پایین‌تر، گران‌تر و هزینه‌بر است و دولت‌ها نمی‌توانند به راحتی برای توسعه و رشد^۴ موردنظر در این بخش، تأمین اعتبار کنند. این امر دو پیامد عمده دارد: اول، حرکت به سمت انتقال بخشی از هزینه‌ها به ذینفعان، در قالب شهریه و دوم حرکت به سمت انتقال به بخش خصوصی است (فیلدن و چنگ^۵، ۲۰۰۹). در همه کشورهای جهان، دولت‌ها پذیرفته‌اند که از تصدی‌گری خارج شوند و نظارت‌گر و سیاست‌گذار^۶ باشند. از این رو بسیاری از فعالیت‌های دولتی در حوزه عمل به بخش خصوصی واگذار شده است. «آموزش عالی» یکی از این فعالیت‌های دولتی است. از طریق خصوصی‌سازی رابطه اقتصادی بین آموزش و اشتغال نیز منطقی‌تر دنبال می‌شود (تبیلیسی^۷، ۲۰۰۲)؛ خصوصی‌سازی یکی از رویکردهای اصلی رو به رشد آموزش عالی در سطح جهان است. خصوصی‌سازی در کشورهای در حال توسعه به سرعت در حال رشد و توسعه است. زمانی که دولت قادر به فراهم کردن هزینه‌ها و تأمین منابع در بخش آموزش عالی نباشد، خصوصی‌سازی اجتناب‌ناپذیر است (آلتباخ^۸، ۲۰۰۶؛ جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۲).

این تفکر که آموزش عالی یک کالای عمومی است و باید توسط دولت ارائه شود تا حدی با مفهوم آموزش عالی به‌عنوان یک کالای خصوصی جایگزین شده است. تأثیر این تغییر تفکر، این است که دانشجویان و خانواده‌هایشان باید برای آموزش عالی هزینه پرداخت کنند. در نتیجه افزایش تقاضا برای آموزش عالی و عدم تمایل و ناتوانی دولت برای پرداخت هزینه‌های فزاینده آموزش عالی، رشد بیشتر آموزش عالی خصوصی را جایگزین آموزش عالی دولتی کرده است (آلتباخ^۸، ۲۰۰۷). اصلاح خصوصی‌سازی در

1. Nicolescu, L.
2. higher education
3. privatization
4. development and growth

5. Fielden, J., & Cheng, K.
6. policy
7. Tbilisi, G.
8. Altbach, P. G.

آموزش عالی، بر فرآیندی اطلاق می‌شود که در آن مراکز آموزش عالی (اعم از دولتی و دولتی - خصوصی^۱) منش‌ها و هنجارهای عملی مربوط به بخش خصوصی را در پیش گیرند (جانسون، ۱۳۸۳). نزدیک‌ترین معنی به واژه خصوصی‌سازی، دور شدن از سرمایه‌گذاری دولتی و نزدیک شدن به سرمایه‌گذاری خصوصی است (فتح الهی و همکاران، ۱۳۹۴؛ ربیعی و نظریان، ۱۳۹۰).

عوامل تأثیرگذار بر توسعه و رشد مراکز آموزش عالی خصوصی به دو حوزه اقتصادی و سیاسی قابل تقسیم است. اولاً، انتقال از بخش دولتی به بخش خصوصی با توسعه بخش خصوصی در تمام بخش‌های اقتصاد مرتبط است. ثانیاً، مراکز آموزش عالی دولتی از نظر تعداد و نوع برنامه‌هایی که ارائه می‌دهند، توانایی پاسخگویی به نیازهای اجتماعی در حال رشد برای آموزش عالی را ندارند. ثالثاً، کاهش توان دولت در تأمین اعتبار آموزش، کارایی بخش دولتی را در تأمین اعتبارات در جهت گسترش بخش آموزش عالی کاهش داده است. این‌رو حرکت به سمت خصوصی‌سازی آموزش عالی در کشور (ایران) امری ضروری است. با توجه به رشد و توسعه خصوصی‌سازی آموزش عالی در جهان و رشد این پدیده طی دهه‌های اخیر، بررسی عوامل دخیل در تدوین و اجرای سیاست‌های خصوصی‌سازی در آموزش عالی کشور مهم و ضروری است (آراسته و جمشیدی، ۱۳۹۳).

بر اساس آئین‌نامه شورای عالی انقلاب فرهنگی، اهداف تأسیس مؤسسات آموزش عالی غیردولتی (خصوصی) را می‌توان «ارتقاء سطح دانش و فرهنگ جامعه، تأمین نیروی انسانی متخصص موردنیاز کشور، پاسخگویی به عطش جامعه برای کسب علم، استفاده از همه مدرسان و استادان جامعه در امر آموزش عالی، ایجاد زمینه مناسب برای فعالیت همه‌جانبه مردم در امر گسترش و اعتلای دانش و پژوهش کشور» نام برد^۲ (فتح الهی و همکاران، ۱۳۹۴).

به‌طور کلی، دلایل طرفداران خصوصی‌سازی مراکز آموزش عالی از یک‌سو، بر محور توجه بیشتر به مواردی از جمله تنگناهای آموزشی، رشد جمعیت متقاضیان آموزش، عدم تناسب هزینه‌های آموزشی با جمعیت متقاضیان، افت کیفی در مراحل تحصیلی، افزایش یارانه^۳ مربوط به آموزش طبقه فقیر جامعه از راه کاهش هزینه آموزش مربوط به افراد طبقه مرفه جامعه، شکوفایی استعداد بالقوه جامعه در بخش‌های فرهنگی و اجتماعی و

1. governmental and private

۲ مصوبه ۴۱ جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی، مورخ ۱۳۶۴/۷/۲۳، شماره ابلاغ: ۳۳۲۴/دش، تاریخ ابلاغ: ۱۳۶۴/۸/۸

3. subsidy

نظایر آن و حذف تشکیلات غیرضروری و کاهش حجم دولت در بخش آموزش استوار است. از سویی دیگر، یکی از دلایل اصلی خصوصی‌سازی در آموزش عالی، فواید فردی از جمله افزایش درآمد، ایجاد شغل و سطح رفاه مادی فرد و غیره است (قریشی خوراسگانی و همکاران، ۱۳۹۵).

با نگاهی به اهداف خصوصی‌سازی آموزش عالی، به‌روشنی می‌توان دریافت که روند حرکت خصوصی‌سازی در آموزش عالی به نحوی است که از اهداف اصلی خود دور شده و خلاف اهداف حرکت کرده است.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وجود سه بخش دولتی، تعاون و خصوصی در اقتصاد کشور مورد تأکید واقع شده است.

امروزه آموزش عالی تنها به‌عنوان یک کالای مصرفی که نخبگان جامعه به آن توجه دارند، نیست. بلکه به خاطر اینکه یک عنصر ضروری در عملکرد اقتصاد ملی کشورهاست، دارای اهمیتی بسیار است؛ بنابراین تصادفی نیست که تعداد مؤسسات آموزش عالی و نیز تعداد دانشجویان مشغول به تحصیل در آن‌ها، در تمامی کشورهای پیشرفته، همواره در حال افزایش است (بار، ۲۰۰۴؛ ربیعی و نظریان، ۱۳۹۰).

ایدئولوژی خصوصی‌سازی در بیشتر نظام‌های آموزش عالی در سراسر جهان پذیرفته شده است. خصوصی‌سازی، اداره و مدیریت آموزش عالی را تغییر داده است. این اصلاحات مرتبط با جهانی شدن اقتصاد است. مؤسسات دولتی در بیشتر قسمت‌های جهان تشویق به انطباق اصول پویایی بازار در مدیریت عملکردهای کلیدی خود شده‌اند. این تحولات منجر به گفتمان‌های جدید در آموزش عالی همچون برنامه‌ریزی استراتژیک، اثربخشی هزینه، تخصیص منابع انسانی، رقابت و انتخاب، بهینه‌سازی فن‌آوری اطلاعات، مدیریت عملکرد و پاسخگویی شده است (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۲).

خصوصی‌سازی در آموزش عالی به فرآیند یا گرایشی گفته می‌شود که در آن مؤسسات آموزش عالی (اعم از دولتی و خصوصی)، سیاست‌ها و هنجارهای عملی بخش خصوصی را در پیش گیرند (فتح الهی و همکاران، ۱۳۹۴). عواملی از جمله رشد اقتصادی مبتنی بر اطلاعات و ارتباطات، تغییر در ترکیب جمعیت، افزایش تمایل عمومی به آموزش، ظهور فناوری‌های نوین، همگرایی سازمان‌های مدرنیته و کاهش اعتماد مردم به کارایی و اثربخشی دولت‌ها از دلایل اصلی گرایش کشورهای در حال توسعه به خصوصی‌سازی آموزش عالی و بخش خصوصی است. با توجه به اینکه خصوصی‌سازی

یکی از روندهای اصلی رو به رشد آموزش عالی در دنیا است و این پدیده به سرعت در حال گسترش است، اما آثاری منفی، چون افزایش فشار اقتصادی به طبقات پایین تر جامعه و طبقاتی شدن آموزش به نفع طبقات بالای جامعه (طبق نظریه بازتولید بورديو و نظریه عدم بازتولید دیماجیو)، کاهش کیفیت در نظام آموزشی را به همراه داشته است؛ اما با اقدامات پیشگیرانه و اصلاح در تدوین و اجرا باید به این سمت حرکت کرد.

از این رو، توجه به سیاست‌ها در تدوین و اجرای آموزش عالی و تبعات ناشی از خصوصی سازی در این بخش، ضرورت مطالعه و پژوهش در حوزه خصوصی سازی آموزش عالی را بیش از پیش نشان می‌دهد و قابل واکاوی و پایش است تا اقدامات اصلاحی لازم مبذول گردد. اهمیت پژوهشی جامع‌نگر و عمیق بر روی سیاست‌ها و برنامه‌ها و استراتژی‌ها در بخش تدوین و اجرای سیاست‌های خصوصی سازی آموزش عالی و در راستای اصلاحات در تدوین و اجرای این سیاست‌ها ناشی از خصوصی سازی آموزش عالی و نهایتاً ارائه راهکارهایی عملی برای کمک به تصمیم‌گیری‌های آینده سیاست‌گذاران و برنامه ریزان آموزش عالی در حوزه خصوصی سازی، در این پژوهش مورد توجه است. برای بررسی الزامات و استراتژی‌های تدوین و اجرا در خصوصی سازی آموزش عالی و ارائه پیشنهادها اصلاحی برای آن ابتدا ادبیات موجود بررسی شده است و به شاخصه‌هایی در این زمینه دست یافته‌ایم و سپس بر اساس مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته‌ای شاخصه‌ها تکمیل و به الگوها و راه‌حلی‌هایی برای اصلاحیات در تدوین و اجرای دست یافته‌ایم که در ادامه پژوهش به آن‌ها اشاره خواهد شد.

در این راستا از پژوهش‌های ساسپیتسین و ساسپیتسینا (۲۰۰۷) با عنوان آموزش عالی خصوصی در روسیه: سرمایه‌گذاری آزاد تحت کنترل دولت، اوسوکویا^۱ (۲۰۰۷) با عنوان خصوصی سازی آموزش دانشگاهی در آفریقا: درس‌هایی از نظریه‌ها و اقدامات ایالات متحده آمریکا و ژاپن، اسلاتنچوا-دراست (۲۰۱۰) با عنوان آموزش عالی خصوصی در بلغارستان: ایجاد یک تفاوت، فیلدن و لاروکو (۲۰۰۸) با موضوع ایجاد مکانیسم‌های بهبود عملکرد در بخش خصوصی، وارقسه (۲۰۰۴) با موضوع مؤسسات آموزش عالی خصوصی، آل آقا، کشاورز و رحیمی (۱۳۸۷) با عنوان روند رشد کمی آموزش عالی خصوصی و دولتی در کشور جمهوری اسلامی ایران، ویلکینسون و یوسف^۲ (۲۰۰۵) با

1. Osokoya, I. O.

2. Wilkinson, R., & Yussuf, I.

عنوان آموزش عالی بخش دولتی و خصوصی در مالزی: یک تحلیل تطبیقی، مک کوان^۱ (۲۰۰۷) با عنوان توسعه بدون برابری: تحلیل سیاست موجود دسترسی به آموزش عالی در برزیل، ایلوسانیا و اویبید^۲ (۲۰۰۸) با عنوان از تسلط دانشگاه‌های دولتی تا سیاست‌گذاری دانشگاه‌های خصوصی در نیجریه: عوامل بازدارنده و پیش برنده، آکپوتا و آکپوچافو^۳ (۲۰۰۹) با عنوان تحلیل عوامل مؤثر بر رشد سریع دانشگاه‌های خصوصی در نیجریه، پاچاشویلی^۴ (۲۰۰۷) با عنوان الگوهای در حال تغییر کاهش و رشد دولتی - خصوصی: مورد آموزش عالی گرجستان، شاه و براون^۵ (۲۰۰۹) با عنوان گسترش آموزش عالی خصوصی در استرالیا: حفظ نتایج کیفیت و چالش‌های آینده، لوی^۶ (۲۰۱۱) با عنوان سیاست دولتی برای آموزش عالی خصوصی: یک تحلیل جهانی، کاسیلاس^۷ (۲۰۱۰) با عنوان رشد بخش خصوصی در آموزش عالی مکزیک، رفیع پور (۱۳۸۱) با عنوان تأثیر خصوصی‌سازی بر اثربخشی واحدهای واگذار شده به بخش خصوصی در دانشگاه تربیت مدرس، اسمولیکز^۸ (۱۹۹۹) با عنوان خصوصی‌سازی در آموزش عالی چهار کشور فیلیپین، استرالیا، لهستان و ایران، مک کوان (۲۰۰۴) با عنوان رشد و کیفیت دانشگاه‌های خصوصی شده در برزیل، لیال^۹ و همکارش (۲۰۰۶) با عنوان روند خصوصی‌سازی در آموزش عالی آمریکا، قاضی نوری و همکاران (۱۳۹۴) با موضوع خصوصی‌سازی آموزش عالی، آراسته و جمشیدی (۱۳۹۳) با موضوع خصوصی‌سازی آموزش عالی، جمشیدی و همکاران (۱۳۹۲) با موضوع خصوصی‌سازی آموزش عالی، قریشی خوراسگانی و همکاران (۱۳۹۵) با موضوع خصوصی‌سازی آموزش عالی استفاده شده است. از مطالعات مذکور در جهت استخراج شاخصه‌های لازم در جهت شروع پژوهش استفاده شده است؛ و شاخصه‌هایی برای پایش و واکاوی برای اصلاحیات در تدوین و اجرای سیاست‌های خصوصی‌سازی آموزش عالی استخراج شده است و سپس برای تکمیل از مصاحبه با خبرگان استفاده شده است.

از این رو با توجه به مطالب بیان شده در بالا، این پژوهش به دنبال پایش و واکاوی برای اصلاحیات در تدوین و اجرای سیاست‌های خصوصی‌سازی آموزش عالی است.

1. McCowan, T.
2. Ilusanya, G., & Oyebade, S. A.
3. Akpotu, N. E., & Akpochafo, W. P.,
4. Pachuashvili, M.
5. Shah, M., & Brown, G.

6. Levy, D. C.
7. Casillas, C. S.
8. Smolicz, J. J.
9. Lyall, K. C., & Sell, K. R.

روش

در این راستا و برای این هدف ابتدا اسناد و مدارک مختلف مورد بررسی قرار گرفت تا در وهله اول سیاست‌ها و برنامه‌های تدوین و اجرایی در بخش خصوصی‌سازی نظام آموزش عالی با توجه به اسناد مربوطه ترسیم شوند (اسناد مورد تحلیل در این پژوهش شامل «سند سیاست‌های کلی علم و فن‌آوری، سند سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور» و «نقشه جامع علمی کشور» به‌عنوان اسناد بالادستی و «برنامه ششم توسعه کشور» است) و در بخش بعد توسط مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته، یافته‌های بخش قبل تکمیل پیدا کرده است و در ادامه با پایش و واکاوی سیاست‌ها و برنامه‌های تدوینی و اجرایی به کمک ذهن پژوهشگر (انتزاعی و ذهنی) الزامات و راهکارهایی اصلاحی برای برنامه‌ها و سیاست‌ها در بخش‌های تدوین و اجرا در خصوصی‌سازی آموزش عالی در نظام جمهوری اسلامی ایران ارائه شده است (مصاحبه‌های صورت گرفته با ۱۲ نفر از متخصصان دانشگاهی و اجرایی در بخش مراکز آموزش عالی و صنعت انجام شده است (هم‌زمان در دانشگاه و صنعت حضور داشته‌اند و آموزشگر دانشگاهی و صنعتی و پژوهشگر دانشگاهی و صنعتی هستند)؛ این متخصصان از دانشگاه‌های ایلام و سیستان و بلوچستان انتخاب شده‌اند که نمونه‌گیری به‌صورت گلوله برفی و جامعه در دسترس است).

این پژوهش، به‌صورت مروری (انتزاعی) و کتابخانه‌ای به همراه مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته است که با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی از نوع تحلیل مضمون انجام شده است.

تحلیل مضمون روشی است که به شناسایی، تحلیل و گزارش الگوها و مضمون‌های مستتر در اطلاعات مرتبط با سؤال تحقیق می‌پردازد و در چند سطح قابل‌اعمال است. تحلیل مضمون می‌تواند به‌طور مستقیم از مصاحبه شفاهی، شنیدن سخنرانی یا از درون مستندات باشد. این مستندات می‌تواند مستندات دسته اولی باشد که محقق با اول از مصاحبه، مشاهده یا از طرق مشابه به دست می‌آورد یا اینکه مستنداتی باشند که قبلاً توسط دیگران تدوین و نگارش شده‌اند. روال‌های مختلفی برای تحلیل مضمون وجود دارد، با وجود تفاوت‌های ظاهری که در سه مرحله جمع‌آوری و توصیف، سازمان‌دهی و تنظیم و در آخر تفسیر و بازنمایی الگوهای گوناگون وجود دارد، الگوی ساده ولکات، شامل سه مرحله توصیف، تحلیل و تفسیر مجزا شده‌اند (نیل و کمپ، ۲۰۰۹). در این

پژوهش از این روش استفاده شده است. دو گام مهم در تفسیر داده‌ها باید برداشته شود. گام اول، استخراج مضمون‌های فرعی و گام دوم، برقراری ارتباط بین آن‌هاست (به دست آمدن مضمون‌های اصلی و یا همان مفاهیم). در این پژوهش این دو فرایند توأمان باهم انجام شده است و در هم‌زمان با استخراج کدها برای آن راهکارهای پیشنهادی و به عبارتی تفسیر مضمون‌ها و ارائه راهکار برای آن ارائه شده است.

در این پژوهش از مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و مستندات که قبلاً توسط دیگران تدوین و نگارش شده است و همین‌طور اسناد و مدارک مربوطه («سند سیاست‌های کلی علم و فن‌آوری، سند سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور» و «نقشه جامع علمی کشور» و «برنامه ششم توسعه کشور») استفاده شده است.

این پژوهش به دنبال سؤالات زیر است (سؤالات پژوهش):

- سیاست‌ها و برنامه‌های خصوصی‌سازی آموزش عالی در بخش تدوین چگونه است؟
- سیاست‌ها و برنامه‌های خصوصی‌سازی آموزش عالی در بخش اجرا چگونه است؟
- راهکارهای اصلاحی در راستای اصلاح و ارتقا سیاست‌ها و برنامه‌های خصوصی‌سازی آموزش عالی در بخش تدوین و اجرا چیست؟

یافته‌ها، بحث و نتیجه‌گیری

در این بخش عوامل مداخله‌کننده و دخیل بر تدوین و اجرای (برنامه - استراتژی و سیاست‌های) افزایش خصوصی‌سازی در مراکز آموزش عالی بر اساس منابع و ابزارهای مختلف (اسناد و مدارک (ادبیات و پیشینه پژوهش) و مصاحبه) جمع‌آوری و دسته‌بندی شده است و متناسب با هر عامل، راهکار اصلاحی برای آن آورده شده است:

جدول ۱. عوامل دخیل و مؤثر بر رشد خصوصی‌سازی (تدوین و اجرا) آموزش عالی در جهان و ایران و راهکارهای اصلاحی و پیشنهادی برای آن

راهکار و پیشنهادی اصلاحی	محققین (منابع)	عوامل دخیل و مؤثر بر رشد خصوصی‌سازی آموزش عالی در جهان و ایران (آراسته و جمشیدی، ۱۳۹۳).
آموزش عالی باید به سمتی حرکت کند که به‌جای هزینه بر بودن، درآمد	Oketch (2009), Varghese (2004), Shah & Brown (2009), Tham (2011), Altbach & Levy (2005), Levy (2011), Whitney (2003), Dennison (2003), Osokoya	۱ عدم توانایی یا عدم انگیزه دولت در

<p>عوامل دخیل و مؤثر بر رشد خصوصی سازی آموزش عالی در جهان و ایران (آراسته و جمشیدی، ۱۳۹۳).</p>	<p>محققین (منابع)</p>	<p>راهنما و پیشنهادهای اصلاحی</p>
<p>پاسخگویی به افزایش تقاضا به دلیل نبود اعتبارات و کاهش در هزینه‌های سرانه دانشجویان</p>	<p>Chae & Hong (2009), Teixeira (2009), Priest & John (2006), Crnkovic & Pozega (2007), Balbachevsky & Schwartzman (2011), Pachuashvili (2011), Casillas (2010), Praphamontripong (2010), Altbach (2007), Ginsburg et al (2006), Baba (2003), Sivalingam (2006), Welch (2007), Scott (1997), DeAngelo & Cohen (2000), Ilusanya & Oyeboade (2008), Akpotu & Akpochafo (2009), اردشیری (۱۳۸۷)، سجادی و تسنیمی (۱۳۸۰)، جونز (۱۳۷۶)، روشن (۱۳۸۸)، آراسته و اسفندیاری (۱۳۸۹) (آراسته و جمشیدی، ۱۳۹۳).</p>	<p>زا باشد و ماحصل پژوهش‌ها و آموزش‌ها در مراکز آموزش عالی قابلیت فروش به بازار را داشته باشد- جذب و توسعه و به‌کارگیری دانشجویان و اعضای هیئت‌علمی سودآور از نظر پژوهشی و آموزشی در مراکز آموزش عالی</p>
<p>افزایش تقاضا در ورود به مراکز آموزش عالی و تبدیل آموزش عالی از نخبه‌گرایی به توده‌گرایی</p>	<p>Wongsothorn & Wang (1995), Shah & Brown (2009), Oketch (2009), Tham (2011), Chae & Hong (2009), Wei (2009), Altbach (2007), Welch (2007), Ramos (2009), Sivalingam (2006), McCowan (2007), Wilkinson & Yussof (2005), Osokoya (2007), Jantan et al (2006), Yussof, Othman & Wilkinson (2008), Teixeira (2009), Balbachevsky & Schwartzman (2011), Kim & Lee (2006), Goodman (2010), Akpotu & Akpochafo (2009), Pachuashvili (2011), Praphamontripong (2010), Alemu (2010), Rizvi (2006), آراسته و اسفندیاری (۱۳۸۹)، جاودانی و همکاران (۱۳۸۳) (آراسته و جمشیدی، ۱۳۹۳).</p>	<p>جذب دانشجویان و اعضای هیئت‌علمی عامی به‌جای متخصص در نهایت موجب حرکت آموزش عالی از سمت نخبه پروری به سمت توده‌گرایی می‌شود از این رو لازم است در مراکز آموزش عالی توسط گزینش و مصاحبه‌های نظارت‌شده و نظام‌مند اعضای هیئت‌علمی و دانشجویان متخصص در بخش آموزش و پژوهش جذب شوند و در مسیر توسعه آن‌ها گام برداشته شود تا در نهایت از نظر آموزشی و پژوهشی برای مراکز آموزش عالی سودآور باشند.</p>
<p>تغییرات در عوامل جمعیتی متقاضیان ورود به مراکز آموزش عالی</p>	<p>Casillas (2010), Crnkovic & Pozega (2007), Nagaraju & Suresh (2008), Slatcheva-Durst (2010), روشن (۱۳۸۸)، آراسته و اسفندیاری (۱۳۸۹) (آراسته و جمشیدی، ۱۳۹۳).</p>	<p>انسجام و مشارکت یک تیم تخصصی از دانشجویان اعضای هیئت‌علمی از جمعیت‌های مختلف برای آموزش عالی لازم است- لازم است در بخش آموزش عالی شرایطی فراهم شود تا افراد بتوانند در این مسیر متأهل شوند و شرایط کاری به‌گونه‌ای باشد که بتوانند در</p>

<p>عوامل دخیل و مؤثر بر رشد خصوصی سازی آموزش عالی در جهان و ایران (آراسته و جمشیدی، ۱۳۹۳).</p>	<p>محققین (منابع)</p>	<p>راهکار و پیشنهادهای اصلاحی</p>
<p>بخش‌های مرتبط با مراکز آموزشی در بیرون و درون سازمان به‌کارگماشته شوند و شاغل باشند - تخصص و تجربه و امانت داری در مراکز آموزش عالی برای دانشجویان و اعضای هیئت‌علمی باید در کنار هم وجود داشته باشند.</p>	<p>Kim & Lee (2006), Jantan et al (2006), Wei (2009), Varghese (2004), Crnkovic & Pozega (2007), Goodman (2010), Wilkinson & Yussof (2005), Sivalingam (2006), Ilusanya & Oyebade (2008), Lane (2010), Praphamontripong (2010), Alemu (2010), Welch (2007). (آراسته و جمشیدی، ۱۳۹۳).</p>	<p>کاهش ظرفیت مراکز آموزش عالی دولتی</p>
<p>توجه به کمیت آموزشی و پژوهشی در کنار کیفیت آموزشی و پژوهشی امری ضروری است و کیفیت نباید فدای کمیت شود- تبدیل مراکز آموزش عالی از حیث آموزشی به مراکز آموزشی و پژوهشی و تبدیل به پژوهشکده در کنار دانشکده باید موردتوجه قرار گیرد</p>	<p>Wongsothorn & Wang (1995), Osokoya (2007), Bernasconi (2006), Teixeira (2009), Whitney (2003), Akpotu & Akpochofo (2009), Casillas (2010), Slatcheva-Durst (2010), Jantan et al (2006), Oketch (2009), Crnkovic & Pozega (2007), Yussof, Othman & Wilkinson (2008), Tilak (2008), McCowan (2007), Scott (1997), (آراسته و اسفندیاری (۱۳۸۹) (آراسته و جمشیدی، ۱۳۹۳).</p>	<p>عدم اثربخشی و عدم کارایی در مراکز آموزش عالی دولتی</p>
<p>جذب دانشجویان و اعضای هیئت علمی متخصص و باتجربه و به‌کارگیری این افراد در بخش آموزش و پژوهش - توجه به کیفیت و کمیت آموزشی و پژوهشی - اصلاح و بازنگری در استانداردها و تعیین ضریب تأثیر برای آموزش و پژوهش در مؤسسات بر اساس کمیت و کیفیت</p>	<p>Teixeira (2009) (آراسته و جمشیدی، ۱۳۹۳).</p>	<p>استفاده از الگوهای سستی (آموزش و یادگیری و ارزیابی) در آموزش عالی دولتی</p>

راهکار و پیشنهادهای اصلاحی	محققین (منابع)	عوامل دخیل و مؤثر بر رشد خصوصی سازی آموزش عالی در جهان و ایران (آراسته و جمشیدی، ۱۳۹۳).
دانشجو و اعضای هیئت علمی در مؤسسات آموزشی و پژوهشی		
تبدیل دانشکده‌ها به دانشکده و پژوهشکده- توجه به ضریب تأثیر آموزش و پژوهش در مراکز و توجه به قابلیت سودآوری و فروش به بازار و توجه به آموزش و پژوهش‌های کاربردی و بنیادین و توسعه‌ای به‌گونه‌ای که در اولویت‌های اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی - سیاسی باشند	Alemu (2010), Bernasconi (2006), Wei (2009), Sanyal (1998), Sivalingam (2006), Akpotu & Akpochofo (2009), Osokoya (2007), Pachuashvili (2011), Lane (2010), آراسته و اسفندیاری (۱۳۸۹) (آراسته و جمشیدی، ۱۳۹۳).	۷ تأکید بر رشد و توسعه خصوصی سازی مراکز آموزش عالی در سیاست‌گذاری‌های کلان و کاهش تصدی‌گری دولت
حرکت به سمت رشته‌های نظری و عملی به‌جای رشته‌های نظری صرف و کاربردی کردن علوم بر اساس شاخصه‌های قابلیت ارزیابی از نظر کمی و کیفی و ایجاد تعادل در بخش ورودی و خروجی به مؤسسات آموزش عالی برای دانشجویان و اعضای هیئت علمی	Oketch (2009), Osokoya (2007), Bernasconi (2006), Varghese (2004), Altbach & Levy (2005), Nagaraju & Suresh (2008), Belfield & Levin (2002), McCowan (2007), Kim & Lee (2006), Lane (2010), Tham (2011), Casillas (2010), Slatcheva-Durst (2010), Alemu (2010), تنسیمی و سجادی (۱۳۸۰) (آراسته و جمشیدی، ۱۳۹۳).	۸ افزایش تقاضا در تنوع‌گرایی رشته‌های تحصیلی مورد نیاز بازار کار و صنعت
مجهر کردن آموزش عالی به تجهیزات و زیرساخت‌های لازم و در اختیار قرار دادن این منابع به افراد دارای صلاحیت برای ارزیابی کارایی و اثربخشی در بخش‌های آموزش و پژوهش	Teixeira (2009), Shah & Brown (2009), Wei (2009), Casillas (2010), Abagi et al (2005), Crnkovic & Pozega (2007), Akpotu & Akpochofo (2009), آل آقا و همکاران (۱۳۸۷) جاودانی و همکاران (۱۳۸۳) (آراسته و جمشیدی، ۱۳۹۳).	۹ منابع، تجهیزات، فن‌آوری و زیرساخت‌های محدود در مراکز آموزش عالی دولتی
رعایت نسبت استاد و اعضای هیئت علمی برای توجه به کیفیت در کنار کمیت و توجه هم‌زمان به آموزش و پژوهش	Shah & Brown (2009), Akpotu & Akpochofo (2009) (آراسته و جمشیدی، ۱۳۹۳).	۱۰ ازدیاد نسبت دانشجو به هیئت علمی در مراکز آموزش عالی دولتی

راهکار و پیشنهادهای اصلاحی	محققین (منابع)	عوامل دخیل و مؤثر بر رشد خصوصی سازی آموزش عالی در جهان و ایران (آراسته و جمشیدی، ۱۳۹۳).
جذب دانشجویان و اعضای هیئت علمی ناکارآمد و غیر اثربخش در مراکز آموزش عالی موجب کاهش اعتماد و عدم انسجام و مشارکت افراد در مراکز آموزش عالی می‌شود ازاین‌رو توجه به ورودی‌ها و خروجی‌های آموزش عالی و توجه به هم‌زمان به کمیت و کیفیت باعث افزایش سرمایه‌های اجتماعی (اعتماد - انسجام - مشارکت) می‌شود.	Casillas (2010), Shah & Brown (2009), Bernasconi (2006), Crnkovic & Pozega (2007), Yussof, Othman & Wilkinson (2008), Ramos (2009), Scott (1997), DeAngelo & Cohen (2000), Akpotu & Akpochofo (2009), Lane (2010), آراسته و اسفندیاری (۱۳۸۹) (آراسته و جمشیدی، ۱۳۹۳).	۱۱ کاهش اعتماد و رضایت از عملکرد مراکز آموزش عالی دولتی
سامانه‌ای کردن فرایند اداری و پرهیز از نامه‌نگاری‌های داخلی - منعطف کردن ساختار مؤسسات مراکز آموزش عالی و حذف فرایندهای سستی و ناکارآمد و جایگزینی فرایندهای ارتباطی و اطلاعاتی سستی با نوین	Shah & Brown (2009), Wongsathorn & Wang (1995), ملکی (۱۳۸۴) (آراسته و جمشیدی، ۱۳۹۳).	۱۲ ساختار خشک و غیر منعطف مراکز آموزش عالی دولتی
خروج رشته‌های دانشگاهی از حالت آموزشی و تئوری به رشته‌های آموزشی و پژوهشی و تئوری و علمی و آماده کردن دانشجویان و اعضای هیئت علمی برای کار هم‌زمان و بعد از دوره هم‌راستای بازار کار	Shah & Brown (2009), Altbach & Levy (2005), Teixeira (2009), Harman (2008), Wei (2009), Belfield & Levin (2002), Baba (2003), Wilkinson & Yussof (2005), Pachuashvili (2007) (آراسته و جمشیدی، ۱۳۹۳).	۱۳ تغییر در رویه‌های بازار کار و نیاز به نیروی کار با تخصص متنوع
اعطای کمک‌های مردمی و کمک‌های فعالان (دانشجویان و اعضای هیئت علمی) در طی دوره و پایان دوره به دانشگاه و تأمین هزینه‌ها و سرمایه‌گذاری‌های	Altbach & Levy (2005), Teixeira (2009), Ehrenberg (2005), Altbach et al (2009), Oanda et al (2008), Akpotu & Akpochofo (2009), Crnkovic & Pozega (2007), Belfield & Levin (2002), Ginsburg et al (2006), Espinoza (2008), Chae & Hong (2009), Goodman (2010), Baba (2003), Altbach (2007), Mok (2011), آراسته و اسفندیاری (۱۳۸۹)	۱۴ رشد نگرش به مراکز آموزش عالی به‌عنوان یک کالای خصوصی (غیردولتی) و

راهکار و پیشنهادهای اصلاحی	محققین (منابع)	عوامل دخیل و مؤثر بر رشد خصوصی سازی آموزش عالی در جهان و ایران (آراسته و جمشیدی، ۱۳۹۳).
مختلف- پیش خرید خدمات پژوهشی و آموزشی بخش های مراکز آموزش عالی از دانشجویان و اعضای هیئت علمی توسط بازار (صنعت) - کمک صنعت به مراکز آموزشی برای پرورش نیروی انسانی لازم برای صنایع و بازار طبق خواسته و تقاضای بخش خصوصی و برگزاری آموزش های نیروی انسانی سازمان ها در مراکز آموزش عالی توسط نیروهای متخصص دانشگاهی	(آراسته و جمشیدی، ۱۳۹۳).	در نتیجه مشارکت عموم جامعه و صنعت در تأمین هزینه آموزش و پژوهش
اتصال آموزش عالی و صنعت و تبادل اطلاعاتی و خرید و فروش خدمات آموزشی و پژوهشی بین دو بخش (آموزش عالی و صنعت) و کاربردی کردن آموزش و پژوهش برای کسب سود متناسب با عرضه و تقاضای بازار	Duczmal (2006), Currie & Vidovich (2000), Kerekes (2010), Kwick (2003), Altbach & Levy (2005), Varghese (2004), Pachuashvili (2011), Oanda et al (2008), Rizvi (2006), Priest & John (2006), Kim & Lee (2006), Baine (2010), Strömqvist (2006), Chae & Hong (2009), آراسته و اسفندیاری (۱۳۸۹) (آراسته و جمشیدی، ۱۳۹۳).	۱۵ افزایش نگرش بازار محوری و ورود نیروهای بازار و صنعت در نظام آموزش عالی
نیمه خصوصی کردن و خصوصی کردن بخش های مختلف مراکز آموزش عالی با توجه به نظارت و ارزیابی دقیق کمی و کیفی (کارایی و اثربخشی) تولیدات آموزشی و واگذار شده و متناسب بودن تولیدات آموزشی و پژوهشی با صنعت و استانداردهای سازی و قائل شدن ضریب تأثیر برای خروجی و ورودی های مراکز آموزش عالی	Belfield & Levin (2002), روشن (۱۳۸۸)، جاودانی و همکاران (۱۳۸۳) (آراسته و جمشیدی، ۱۳۹۳).	۱۶ استفاده منابع بیشتر در مراکز آموزش عالی و استفاده اثربخش تر کردن از این منابع در آموزش عالی خصوصی

راهکار و پیشنهادهای اصلاحی	محققین (منابع)	عوامل دخیل و مؤثر بر رشد خصوصی سازی آموزش عالی در جهان و ایران (آراسته و جمشیدی، ۱۳۹۳).
جذب دانشجوی و اعضای هیئت علمی متخصص و باتجربه و امین در نظام آموزش عالی از کشورهای مختلف - نزدیک شدن فرهنگی - اقتصادی - اجتماعی - سیاسی مراکز آموزش عالی با توجه به حفظ ارزش ها و تبادل عقاید و نظرات و استفاده از خرد جمعی	Chae & Hong (2009), Oanda et al (2008), Rizvi (2006), Crnkovic & Pozega (2007), Belfield & Levin (2002), Jantan et al (2006), آراسته و اسفندیاری (۱۳۸۹)، جاودانی و همکاران (۱۳۸۳) (آراسته و جمشیدی، ۱۳۹۳).	۱۷ ظهور پدیده جهانی شدن و اثرات آن
توجه به کمیت و کیفیت آموزشی و پژوهشی مراکز آموزش عالی و تولیدات متناسب با تقاضا و عرضه صنعت و بازار- تعامل مراکز آموزش عالی با سازمان‌های دانش بنیان دانشگاهی و صنعتی	Crnkovic & Pozega (2007), Sivalingam (2006), Lane (2011), روشن (۱۳۸۸)، آراسته و اسفندیاری (۱۳۸۹) (آراسته و جمشیدی، ۱۳۹۳).	۱۸ افزایش توجه به اقتصاد دانش بنیان در کشور
توجه به تغییرات و تحولات فرهنگی - اقتصادی - سیاسی - اجتماعی و حرکت مراکز آموزش عالی در جهت بهینه کردن این تغییرات و استفاده و حداکثر کردن کارایی و اثربخشی این تغییرات در راستای افزایش حکمت و دانش در جامعه	Lane (2010), Wei (2009), Pachuashvili (2007), Belfield & Levin (2002), Sivalingam (2006), Wilkinson & Yussof (2005) (آراسته و جمشیدی، ۱۳۹۳).	۱۹ تغییر و تحولات در توسعه و رشد اقتصادی - اجتماعی
انتقال دانش و حکمت از دانشگاه به صنعت و جامعه و انتقال مشکلات و مسائل جامعه به دانشگاه و انتقال تجربه کاری از صنعت به دانشگاه و جامعه- آماده کردن و حرکت جامعه به سمت تحرکات صحیح اجتماعی و افزایش سرمایه اجتماعی (اعتماد- انسجام- مشارکت) در جامعه	Jantan et al (2006) (آراسته و جمشیدی، ۱۳۹۳).	۲۰ آموزش عالی به عنوان سریع ترین مسیر تحرک اجتماعی

عوامل دخیل و مؤثر بر رشد	محققین (منابع)	راهکار و پیشنهادهای اصلاحی
خصوصی سازی آموزش عالی در جهان و ایران (آراسته و جمشیدی، ۱۳۹۳).		
۲۱ لزوم رشد و توسعه مراکز آموزش عالی و اصلاحات ساختاری مربوطه	Kusumavat (2010), Teixeira (2009), Ginsburg et al (2006), آراسته و اسفندیاری (۱۳۸۹) (آراسته و جمشیدی، ۱۳۹۳).	تغییر و اصلاح ساختارهای ناکارا غیر اثربخش به ساختار اثربخش و کارا در راستای افزایش بهره‌وری ساختاری
۲۲ افزایش تقاضای ورود به مراکز آموزش عالی متنوع نسبت به بخش دولتی	Oketch (2009), Sanyal (1998), Wei (2009), Belfield & Levin (2002), McCowan (2007), آراسته و اسفندیاری (۱۳۸۹)	ایجاد استانداردهای آموزشی و پژوهشی و ضریب تأثیر برای دانشجوی و عضو هیئت علمی از نظر کمی و کیفی موجب تعدیل تقاضای آموزش عالی در بخش دولتی شده و ایجاد تحرک تقاضا به سمت آموزش‌ها و پژوهش‌های خصوصی
۲۳ تأکید و تشویق‌های سازمان‌های بین‌المللی به خصوصی سازی مراکز آموزش عالی	Belfield & Levin (2002), Ginsburg et al (2006), McCowan (2004), Welch (2007) (آراسته و جمشیدی، ۱۳۹۳).	حرکت به سمت خصوصی سازی آموزش عالی با توجه به افزایش کمیت و کیفیت آموزش و پژوهش متناسب با صنعت و بازار
۲۴ پاسخ به کاهش نابرابری‌های مراکز آموزش عالی دولتی	Belfield & Levin (2002), Tham (2011), جاودانی و همکاران (۱۳۸۳) (آراسته و جمشیدی، ۱۳۹۳).	کاهش نابرابری‌های آموزشی و واگذاری تدوین و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌ها و استراتژی‌های آموزشی و پژوهشی به افراد متخصص و باتجربه و امین

در ادامه موارد لازم (الزامات) بر اساس اسناد و مدارک (ادبیات و پیشینه پژوهش) و مصاحبه‌های صورت گرفته برای تدوین و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌ها و استراتژی‌های لازم برای خصوصی سازی مراکز آموزش عالی آورده شده است و به تفکیک در بخش تدوین و اجرا دسته‌بندی شده است:

جدول ۲. الزامات خصوصی سازی آموزش عالی در ایران در بخش تدوین و اجرا و راهکارهای

پیشنهادی و اصلاحی برای آن

راهکارهای اصلاحی و پیشنهادی متناسب با الزامات خصوصی سازی آموزش عالی در ایران در بخش تدوین و اجرا	الزامات خصوصی سازی آموزش عالی در ایران در بخش تدوین و اجرا (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۲).
<p>اتخاذ رویکرد کیفیت گرا توسط مؤسسين آموزش عالی خصوصی به جای رویکرد صرف انتفاعی و اقتصادی (توجه به اثربخشی و کارایی) - سیاست گذاری، برنامه ریزی و نظارت دقیق بر عملکرد آموزش عالی خصوصی توسط هیئت‌امنا (مراکز آموزش عالی باید به گونه‌ای باشند که به سمت افزایش کمیت و کیفیت حرکت کنند و این مهم نیازمند رصد دقیق و اصلاحات لازمه است) - اتخاذ سیاست‌های مناسب به منظور جذب درآمد بیشتر از منابع اعتباری مختلف از طریق توسعه فعالیت‌های علمی (آموزشی، پژوهشی و مشاوره‌ای) درآمدزا (مراکز آموزش عالی به عنوان کارخانه‌های تولید آموزش و پژوهش و باید بتوانند کسب درآمد کنند و دستاوردهای خود را به بازار و صنعت و جامعه بفروشند) - تدوین سیاست‌های متناسب با سیاست گذاری‌ها و استراتژی‌های کلان کشور در بخش آموزش عالی خصوصی (سیاست‌ها و استراتژی‌های کلان باید به سمت خصوصی سازی واقعی حرکت کند و بخش دولت تنها رصد کننده و سیاست گذار باشد) - اتخاذ سیاست‌های حمایتگر محیط رقابتی در آموزش عالی خصوصی (ایجاد فضای رقابتی و سازنده در بین نظام‌های مراکز آموزش عالی داخل و خارج و تعدیل رقابت به رقابت سالم و سازنده)</p>	<p>الزامات در سیاست و استراتژی</p>
<p>بهره‌گیری از نظرات تخصصی مشاور حقوقی و قانونی در امور مؤسسات آموزش (مؤسسات باید به گونه‌ای باشند که از قوانین و مقررات کشور پیروی کنند و در راستای تأمین اهداف سیاسی - اجتماعی - فرهنگی - اقتصادی کشور باشند) - تدوین قوانین و آیین‌نامه‌های مالی و حسابرسی برای آموزش عالی خصوصی (مراکز امور عالی خصوصی به گونه‌ای باشند که از نظر مالی دارای اسناد و مدارک شفاف باشند و در اختیار دولت و آحاد جامعه قرار گیرد) - مقررات زدایی و حذف مقررات دست و پاگیر (قوانین و مقررات زائد و ناکارا و غیر اثربخش باید حذف شوند و قوانین و مقرراتی اتخاذ شود در جهت رشد و توسعه صحیح نظام آموزش عالی خصوصی در جهت منافع جامعه و دولت باشد) - تدوین قوانین و مقررات شفاف در توسعه زیرساخت‌ها و فضای فیزیکی آموزش (وجود و وضع قوانین و مقررات در</p>	<p>الزامات در قوانین و مقررات</p>

الزامات خصوصی سازی آموزش عالی در ایران در بخش تدوین و اجرا (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۲).	راهکارهای اصلاحی و پیشنهادی متناسب با الزامات خصوصی سازی آموزش عالی در ایران در بخش تدوین و اجرا
--	--

جهت تعدیل فضای آموزشی و رشد و توسعه فیزیکی مراکز نظام آموزش عالی خصوصی)

برنامه‌ریزی‌های هدفمند در راستای جلب سرمایه‌گذاران در آموزش عالی (جذب منابع مالی و غیرمالی) - تلاش در راستای جذب حمایت‌های مالی شرکت‌های خصوصی و سرمایه‌گذاران در آموزش (جذب منابع از طرف صنعت و جامعه و دولت) - مهندسی مجدد و بازسازی ساختار مالی در الزامات در اقتصاد و موارد مالی آموزش عالی خصوصی (اصلاح نظام ساختار مالی و غیرمالی در نظام آموزش عالی) - تلاش در راستای جذب کمک‌های مردمی، موقوفات و خیریه برای توسعه آموزش (جذب منابع مالی مردمی) - تلاش در راستای متنوع ساختن منابع مالی بر اساس الگوهای تأمین اعتبار (جذب انواع منابع مالی با دستورالعمل‌ها و ساختار مختلف در نظام آموزش عالی)

ارائه آموزش باکیفیت بالا در آموزش عالی خصوصی (آموزش اثربخش و کارا) - پیروی از شیوه‌ها و فناوری‌های نوین آموزش و یادگیری در آموزش عالی خصوصی (استفاده از فناوری‌ها فناوری‌های مدرن سمعی و بصری در نظام آموزش عالی) - جذب اعضای هیئت‌علمی واجد شرایط و تمام‌وقت توسط مؤسسات آموزش عالی خصوصی (اعضای هیئت‌علمی باید دارای کارایی و اثربخشی باشند و افرادی متخصص و باتجربه و امین باشند) - ارائه برنامه‌ها و رشته‌های تحصیلی متنوع و موردنیاز بازار توسط آموزش عالی خصوصی (دنبال کردن و آموزش و پژوهش در زمین‌هایی که از طرف بازار مردم و دولت تقاضا داشته باشند و قائل فروش و سودآوری باشد) - فراهم آوردن امکان فرصت مطالعاتی برای اعضای هیئت‌علمی مؤسسات آموزش عالی خصوصی (فرصت مطالعاتی داخلی و خارجی برای رشد و توسعه کمیت و کیفیت اعضای هیئت‌علمی) - تشویق و ایجاد انگیزه در اعضای هیئت‌علمی برای نگارش و ارائه مقالات اجلاس، علمی - پژوهشی و ISI (توجه به پژوهش در کنار آموزش) - توسعه پژوهش‌های بنیادی و کاربردی در آموزش عالی خصوصی • انجام و توجه به پژوهش‌هایی که مورد تقاضای دولت و مردم و صنعت باشد) - بهره‌گیری از نظام‌های ارزشیابی آموزشی از دانشجویان و اعضای هیئت‌علمی در مؤسسات آموزش عالی خصوصی (نظام ارزیابی جامع و توجه به کیفیت و کمیت نیروی‌های

الزامات در آموزش و پژوهش

الزامات خصوصی سازی آموزش عالی در ایران در بخش تدوین و اجرا (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۲).	راهکارهای اصلاحی و پیشنهادی متناسب با الزامات خصوصی سازی آموزش عالی در ایران در بخش تدوین و اجرا
---	---

انسانی در مراکز آموزش عالی)- تلاش در راستای اخذ مجوز دوره‌های تحصیلات تکمیلی در آموزش عالی خصوصی- انعقاد قرارداد با دانشگاه‌های خارجی در راستای تبادل دانشجو (بستن قرارداد جذب دانشجویان بین‌المللی و از سایر کشورها)- تلاش در راستای جذب دانشجویان بین‌المللی بیشتر در آموزش عالی خصوصی- ایجاد تنوع در محتوای آموزشی رشته‌های تحصیلی در آموزش عالی خصوصی (ارائه درس آموزشی و پژوهشی و مشاوره‌ای کارا و اثربخش)- ارائه و فروش خدمات مختلف آموزشی، مشاوره‌ای و پژوهشی به بخش‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی کشور توسط آموزش عالی خصوصی (توجه به آموزش و پژوهش و مشاوراتی که قابل فروش به مردم و دولت و صنعت باشند)

توانمندی و تجربه مدیران و هیئت مؤسس آموزش عالی خصوصی در شکل‌دهی به این نظام (توسعه کمی و کیفی مدیریت در مراکز آموزش عالی)- مدیریت صحیح و هدفمند منابع در راستای توسعه کیفی خصوصی سازی آموزش عالی (مدیریت بهره‌ور)- تلاش در راستای جلب رضایت اعضای هیئت علمی و کارکنان آموزش عالی خصوصی جهت عملکرد بهتر (افزایش رضایت نیروی انسانی)- رقابت با دیگر مؤسسات آموزش عالی خصوصی و دولتی از طریق افزایش کیفیت خدمات (ایجاد رقابت سازنده و سالم)- بهره‌گیری از تجارب مؤسسات آموزش عالی خصوصی موفق داخلی و خارجی (تبادل تجربه‌ات و تخصص بین آموزشگاهی و پژوهشگاهی و مشاوره‌ای)- تقویت روحیه مشارکت و فعالیت‌های گروهی در بین متصدیان آموزش عالی خصوصی (تشویق نیروهای انسانی در جهت مشارکت و کار تیمی)- تعیین اهداف و استراتژی‌های روشن و شفاف برای خصوصی سازی آموزش عالی (تبیین اهداف و استراتژی‌های دقیق و روشن)- برخورداری متصدیان و برنامه ریزان آموزش عالی خصوصی از مهارت‌های تخصصی و فنی لازم (به‌کارگیری افراد متخصص و باتجربه و امین)- رشد روحیه نوآورانه و خلاقانه در بخش‌های مختلف آموزش عالی خصوصی (توجه به نوآوری و خلاقیت)- بهره‌گیری از شیوه‌ها و مکانیسم‌های مدیریت کیفیت و بهبود عملکرد توسط مؤسسات آموزش عالی خصوصی (توجه به بهبود مدیریت و سازمان

<p>راهکارهای اصلاحی و پیشنهادی متناسب با الزامات خصوصی سازی آموزش عالی در ایران در بخش تدوین و اجرا</p>	<p>الزامات خصوصی سازی آموزش عالی در ایران در بخش تدوین و اجرا (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۲).</p>
<p>کفیت و کیفیت جامع)- شناخت کامل و همه‌جانبه هیئت مؤسسين مؤسسات آموزش عالی خصوصی از پتانسیل‌ها، ظرفیت‌ها و نیازهای بازار کار (شناخت فرصت‌ها و تهدیدهای بازار و صنعت)- تصمیم‌گیری و تصمیم سازی آگاهانه توسط متصدیان آموزش عالی خصوصی- تلاش مؤسسات آموزش عالی خصوصی در راستای خوداتکایی، خودکنترلی و استقلال بیشتر (افزایش استقلال و کارایی و اثربخشی در نظام آموزش عالی)- تلاش مؤسسات آموزش عالی خصوصی در راستای جلب رضایت دانشجویان به‌عنوان ذینفعان اصلی (جلب رضایت نیروی انسانی)- برنامه‌ریزی استراتژیک با رویکرد مشتری محوری در آموزش عالی خصوصی (مشتریان سازمانی همان دانشجویان و متقاضیان و خریداران بازار و اجتماعی و دولتی هستند که باید رضایت آن‌ها را جلب کرد)- برنامه‌ریزی استراتژیک با رویکرد مشتری محوری در آموزش عالی خصوصی (توجه به مشتری و پرهیز از خشم و نارضایتی مشتریان درون‌سازمانی و بیرون سازمانی)- اصلاح روش‌ها و الگوهای مدیریتی آموزش عالی خصوصی و اتخاذ شیوه‌های مدیریت دموکراتیک و مشارکتی (توجه به مدیریت تیمی و مشارکتی)- بهره‌گیری از تجارب متخصصان علوم تربیتی در برنامه‌ریزی و طرح‌ریزی جامع آموزشی و درسی مؤسسات آموزش عالی (بهبود کمیت و کیفیت دوره‌های آموزشی و محتوای دروس آموزشی)- بهره‌گیری از یک طرح و مدل جامع برای فعالیت مؤسسات آموزش عالی خصوصی از ابتدای تأسیس (مؤسسات دارای چشم‌انداز و مأموریت و اهداف بلندمدت باشند)- پرهیز از اداره مؤسسات آموزش عالی خصوصی به شیوه مدیریت دولتی (عدم تقلید مدیریت بخش خصوصی از بخش دولتی)- مهندسی مجدد و بازسازی ساختار نیروی انسانی در آموزش عالی خصوصی (مهندسی مجدد نیروی انسانی و توجه به کارایی و اثربخشی نیروی انسانی مرتبط درون سازمان و بیرون سازمان)- ایجاد ساختار منعطف در آموزش عالی خصوصی (انعطاف ساختاری در نظام آموزش عالی)- مهندسی مجدد و بازسازی فرآیندهای عملیاتی در آموزش عالی خصوصی (مهندسی مجدد در ساختار نظام آموزش عالی و بهبود کمیت و کیفیت ساختار نظام آموزش عالی)- تنوع بخشیدن به اهداف و وظایف در آموزش عالی خصوصی- تلفیق و</p>	

<p>راهکارهای اصلاحی و پیشنهادی متناسب با الزامات خصوصی سازی آموزش عالی در ایران در بخش تدوین و اجرا</p>	<p>الزامات خصوصی سازی آموزش عالی در ایران در بخش تدوین و اجرا (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۲).</p>
<p>بهره‌گیری از هنجارهای مدیریتی مرتبط با شرکت‌های خصوصی و اصول بازار در آموزش عالی خصوصی (بازاریابی در نظام آموزش عالی)</p>	
<p>تلاش در راستای جلب اعتماد مردم به آموزش عالی خصوصی (افزایش اعتماد آحاد مردم و دولت به نظام آموزش عالی خصوصی و دولتی) - اطلاع‌رسانی عمومی به جامعه نسبت به نوع خدمات و عملکرد مؤسسات آموزش عالی (آگاه‌سازی مردم در برابر نظام آموزش عالی به‌عنوان وظایف و مسئولیت‌ها) - ایجاد اعتماد، انگیزه و تعهد در بین متصدیان آموزش عالی خصوصی - انجام اقدامات در زمینه فرهنگ‌سازی و توجه به شاخص‌های فرهنگی در آموزش عالی (فرهنگ‌سازی عمومی توسط نظام آموزش عالی) - تلاش در راستای تقلیل نگاه صرف درآمدزایی به خصوصی‌سازی آموزش عالی (توجه به بعد اجتماعی و فرهنگی جامعه در کنار کسب درآمد از جامعه در نظام آموزش عالی) - اطلاع‌رسانی عمومی از طریق رسانه‌ها در زمینه نیازها و کمبودهای مؤسسات آموزش عالی (بازاریابی انسانی و غیرانسانی در نظام آموزش عالی)</p>	
<p>تلاش برای توسعه امکانات و زیرساخت‌ها (ساختمان‌ها، کتابخانه‌ها، آزمایشگاه‌ها و تجهیزات و فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی) در آموزش عالی خصوصی (توسعه و رشد منابع و تسهیلات نظام آموزش عالی) - بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در زمینه سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در آموزش عالی خصوصی (به‌روز بودن با نوآوری‌ها و فناوری‌های روز و حرکت به سمت آموزش‌های مدرن سمعی و بصری) - بررسی کسب تقاضا در منطقه برای خدمات آموزش عالی خصوصی (تعدیل تقاضا و عرضه برای نظام آموزش عالی متناسب با ظرفیت‌های نظام آموزش عالی)</p>	<p>الزامات در زیرساخت</p>
<p>ارتباط و همکاری‌های علمی (آموزشی، پژوهشی و مشاوره‌ای) آموزش عالی (حرکت تیمی به سمت آموزش عالی مشارکتی) - همکاری‌های علمی بین‌المللی (آموزشی، پژوهشی و مشاوره‌ای) آموزش عالی - ارتباط و الزامات در ارتباطات و اطلاعات همکاری‌های علمی (آموزشی، پژوهشی و مشاوره‌ای) آموزش عالی (تبادل تخصص و تجربه در سطح بین‌المللی) - برقراری ارتباط قوی با بازار (صنعت و کارفرمایان و دیگر بخش‌های اقتصادی) (ارتباط مراکز آموزش عالی با صنعت و بازار) - برقراری ارتباط با دانش‌آموختگان و بازخورد گرفتن</p>	

الزامات خصوصی سازی آموزش عالی در ایران در بخش تدوین و اجرا (جمشیدی و همکاران، ۱۳۹۲).	راهکارهای اصلاحی و پیشنهادی متناسب با الزامات خصوصی سازی آموزش عالی در ایران در بخش تدوین و اجرا
--	--

از پیامدهای آموزشی خود (بازخورد از کمیت و کیفیت دانش جویان و اعضای هیئت علمی) - برقراری ارتباط تنگاتنگ با اتحادیه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی - تأکید برداشتن واحد روابط عمومی فعال در خصوص برقراری ارتباط با بخش‌های مختلف (توسعه اطلاعات و ارتباطات درون سازمانی و بیرون سازمانی) - برقراری ارتباط با نهادهای قانون‌گذار همچون وزارت علوم، مجلس شورای اسلامی (ارتباطات با سه قوه نظام) - بازاریابی و تبلیغات مناسب در راستای جذب دانشجویان بیشتر - برقراری ارتباط تنگاتنگ با دانشجویان و والدین آن‌ها به‌عنوان ذینفعان آموزش عالی - برقراری ارتباط با سطوح آموزشی مقاطع پایین‌تر همچون آموزش و پرورش (ارتباطات با مؤسسات و نظام‌های پایین‌دستی و بالادستی)

در مسیر تدوین و اجرای خصوصی سازی در مراکز آموزش عالی موانعی وجود دارد که برداشتن و ارائه راهکار برای اصلاح این موانع می‌تواند در این مسیر مثمر ثمر باشد، زیرا اجزای قبلی و تدوین‌های قبلی، گاه مانعی برای تدوین‌ها و اجراییات جدید هستند و قوانین و مقررات غیر مسنجم که برخی ناقض برخی دیگر و مانع دیگری است و اجراییاتی که برخی مضر برخی دیگر و هم‌راستای دیگری نیست می‌تواند کارایی و اثربخشی در تدوین و اجرای صحیح خصوصی سازی در این مسیر را کاهش دهد، از این رو در این بخش به این موانع توجه شده است و فهرست وار آورده شده است و برای هر کدام راهکارهای اصلاحی با توجه به اسناد و مدارک (ادبیات و پیشینه پژوهش) و مصاحبه‌های انجام شده آورده شده است:

جدول ۳. موانع تدوین و اجرا و راهکارهای اصلاحی در جهت برخورد با موانع و راهکارها و

پیشنهادها و اصلاحی بران آن

موانع تدوین و اجرا (ربیعی و نظریان، ۱۳۹۰)	انواع موانع تدوین و اجرا	پیشنهادها و راهکارهای اصلاحی در جهت برخورد با موانع
موانع در قانون تصریح قانون اساسی بر رایگان بودن کاهش دخالت وزارت علوم (دولت) در تصدی‌گری و آموزش (اصل ۳۰ قانون اساسی) (در تمرکز آن بر بخش آموزش و پژوهش؛ افزایش		

پیشنهادها و راهکارهای اصلاحی در جهت برخورد با موانع	انواع موانع تدوین و اجرا	موانع تدوین و اجرا (ریبعی و نظریان، ۱۳۹۰)
<p>مفاد قانون اساسی بیان شده است که انگیزه‌های سرمایه‌گذاری توسط بخش مردمی و باید دولت شرایطی را فراهم کند که خصوصی و حمایت از سرمایه‌گذاران بخش صنعت و جامعه بتوانند باسواد شوند و آموزش بازار؛ ثبات در قوانین و مقررات و تضمین قانونی دولت باید به صورت رایگان به توده مردم برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی (ثبات سیاسی و توسط دولت ارائه شود) - فقدان قوانین اقتصادی؛ تغییر مؤسسات غیرانتفاعی به مؤسسات حمایت از سرمایه‌گذاری خصوصی در آموزش عالی دولتی؛ تصور ایجاد شده از مؤسسه بخش آموزش عالی (قوانینی باید غیرانتفاعی یک مؤسسه‌ی غیر سودآور است و این وجود داشته باشند که صنعت و دولت تمرکز سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران را کاهش می‌دهد و مردم را به حمایت از نظام‌های این در حالی است که مؤسسات غیرانتفاعی صرفاً به آموزش عالی سوق دهند) - مغایرت دنبال کسب درآمد و توجه به کمیت هستند و کم‌تر به خصوصی‌سازی دانشگاه‌ها، با اصل کیفیت توجه دارند. تغییر این نگرش می‌تواند راهکاری عدالت اجتماعی (نظام بازتولید در جهت حل مشکلات موجود باشد؛ تدوین و اجرای بوردیو) - وجود قوانین منطبق بر قوانین حمایتی و پیشنهادی، امنیت لازم و زمینه مساعد تمرکزگرایی دولتی (دولت باید از برای مشارکت بخش خصوصی در توسعه آموزش عالی تصدی‌گری به سیاست‌گذاری و در نظر گرفتن منافع بخش خصوصی در راستای منافع دولت و آحاد مردم؛ رسیدگی به فوریت‌های حقوقی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور؛ دائمی کردن استقلال و خودگردانی دانشگاه‌ها؛ یکپارچه‌سازی قوانین و مقررات نظام آموزش عالی با مشارکت حقوقدانان و خبرگان؛ حفظ یکپارچگی قوانین خصوصی‌سازی با سایر قوانین و مقررات کشوری در راستای اهداف منافع اجتماعی و خصوصی و دولتی.</p>	<p>موانع قانون اساسی بیان شده است که انگیزه‌های سرمایه‌گذاری توسط بخش مردمی و باید دولت شرایطی را فراهم کند که خصوصی و حمایت از سرمایه‌گذاران بخش صنعت و جامعه بتوانند باسواد شوند و آموزش بازار؛ ثبات در قوانین و مقررات و تضمین قانونی دولت باید به صورت رایگان به توده مردم برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی (ثبات سیاسی و توسط دولت ارائه شود) - فقدان قوانین اقتصادی؛ تغییر مؤسسات غیرانتفاعی به مؤسسات حمایت از سرمایه‌گذاری خصوصی در آموزش عالی دولتی؛ تصور ایجاد شده از مؤسسه بخش آموزش عالی (قوانینی باید غیرانتفاعی یک مؤسسه‌ی غیر سودآور است و این وجود داشته باشند که صنعت و دولت تمرکز سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران را کاهش می‌دهد و مردم را به حمایت از نظام‌های این در حالی است که مؤسسات غیرانتفاعی صرفاً به آموزش عالی سوق دهند) - مغایرت دنبال کسب درآمد و توجه به کمیت هستند و کم‌تر به خصوصی‌سازی دانشگاه‌ها، با اصل کیفیت توجه دارند. تغییر این نگرش می‌تواند راهکاری عدالت اجتماعی (نظام بازتولید در جهت حل مشکلات موجود باشد؛ تدوین و اجرای بوردیو) - وجود قوانین منطبق بر قوانین حمایتی و پیشنهادی، امنیت لازم و زمینه مساعد تمرکزگرایی دولتی (دولت باید از برای مشارکت بخش خصوصی در توسعه آموزش عالی تصدی‌گری به سیاست‌گذاری و در نظر گرفتن منافع بخش خصوصی در راستای منافع دولت و آحاد مردم؛ رسیدگی به فوریت‌های حقوقی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور؛ دائمی کردن استقلال و خودگردانی دانشگاه‌ها؛ یکپارچه‌سازی قوانین و مقررات نظام آموزش عالی با مشارکت حقوقدانان و خبرگان؛ حفظ یکپارچگی قوانین خصوصی‌سازی با سایر قوانین و مقررات کشوری در راستای اهداف منافع اجتماعی و خصوصی و دولتی.</p>	<p>(ریبعی و نظریان، ۱۳۹۰)</p>
<p>موانع در اقتصاد غیرعادلانه بودن توزیع درآمدها در اصلاح و توجه به بازارهای تأمین بودجه (افزایش (ریبعی و کشور (سطح درآمدی در اقشار مردم مشارکت مردمی و کمک‌های خیرین)؛ اصلاح و ترمیم نظریان، ۱۳۹۰) در کشور بسیار متفاوت است و بازار کار؛ رفع مشکلات، موانع و محدودیت‌های قیمت‌گذاری با توجه به سطح درآمد تجاری؛ اعطای وام‌های مناسب (پوشش هزینه‌های اقشار مردم کار دشواری است) - پایین دانشجویی؛ اعطای بورس یا کمک‌هزینه‌های تحصیلی بودن قدرت خرید اکثر مردم و عدم از سوی دولت با بازپرداخت برای بعد از دوره توان پرداخت شهریه (اکثر مردم درآمد تحصیلی؛ تقویت صندوق رفاه دانشجویان نظام آموزش ضعیف و متوسطی دارند و نمی‌توان از دولتی و غیردولتی؛ پشتیبانی از مشارکت بخش</p>	<p>موانع در اقتصاد غیرعادلانه بودن توزیع درآمدها در اصلاح و توجه به بازارهای تأمین بودجه (افزایش (ریبعی و کشور (سطح درآمدی در اقشار مردم مشارکت مردمی و کمک‌های خیرین)؛ اصلاح و ترمیم نظریان، ۱۳۹۰) در کشور بسیار متفاوت است و بازار کار؛ رفع مشکلات، موانع و محدودیت‌های قیمت‌گذاری با توجه به سطح درآمد تجاری؛ اعطای وام‌های مناسب (پوشش هزینه‌های اقشار مردم کار دشواری است) - پایین دانشجویی؛ اعطای بورس یا کمک‌هزینه‌های تحصیلی بودن قدرت خرید اکثر مردم و عدم از سوی دولت با بازپرداخت برای بعد از دوره توان پرداخت شهریه (اکثر مردم درآمد تحصیلی؛ تقویت صندوق رفاه دانشجویان نظام آموزش ضعیف و متوسطی دارند و نمی‌توان از دولتی و غیردولتی؛ پشتیبانی از مشارکت بخش</p>	<p>(ریبعی و نظریان، ۱۳۹۰)</p>

پیشنهادها و راهکارهای اصلاحی در جهت برخورد با موانع	انواع موانع تدوین و اجرا	موانع تدوین و اجرا (ربیعی و نظریان، ۱۳۹۰)
<p>اقشار مختلف انتظار دریافت هزینه‌های خصوصی و مردمی در اداره امور صنفی دانشجویان؛ آموزش در سطح بالا را داشت)- نبود تنوع در پرداخت تسهیلات به دانشجویان؛ کمک به فضای رقابتی مناسب، ناشی از ایجاد شرکت‌های دانشگاهی؛ انجام تبلیغات گسترده در اعمال نفوذ وابستگان به دولت (عدم سایر کشورها، جهت جذب دانشجو و نیز انعقاد توجه به کمیت و کیفیت آموزش و تفاهم‌نامه در زمینه اعزام اساتید به سایر کشورها؛ پژوهش و فضای رقابت سازنده و سالم حمایت برای سرمایه‌گذاری در پژوهش‌ها؛ موظف در کشور)- ناپایداری وضعیت ساختن سازمان‌ها به ارجاع مشکلات خود در قالب اقتصادی کشور و نبود ثبات و امنیت طرح‌های پژوهشی؛ ایجاد کمک‌های نوع دوستانه و امور اقتصادی (نبود ثبات اقتصادی و وجود خیریه؛ ایجاد محیط مالیاتی مطلوب برای افراد و تورم‌های مختلف در طول سال)- شرکت‌هایی است که تمایل به پرداخت کمک‌های مالی غیراقتصادی بودن فعالیت‌های آموزشی برای مقاصد آموزشی دارند؛ اجرای سیاست‌های و عدم بازگشت سرمایه (غیر سودآور تشویقی؛ اعطای وام از طریق بانک‌های دولتی و با بهره بودن نظام آموزشی و عدم بازگشت پایین؛ تأسیس شرکت‌های برگرفته از دانشگاه؛ افزایش سرمایه و سودآور بودن به را و توسعه کمی و کیفی مراکز رشد و پارک‌های علم و جلب توجه سرمایه‌داران به این بخش) فن‌آوری؛ توسعه دفاتر ارتباط با صنعت؛ استفاده از فعالان صنایع و بازار در هیئت‌های امنا؛ رویکرد مشتری محوری در فعالیت‌های دانشگاهی؛ تقویت مکانیسم بازاریابی توسط دانشگاه‌ها؛ افزایش اعتماد صنعت و بازار به دانشگاه‌ها و بالعکس؛ اعطای مجوز فروش خدمات دانشگاهی (آموزشی و پژوهشی) به بخش دولتی و خصوصی (صنعت و بازار).</p>		
	<p>انحصار فعالیت بنگاه‌های اقتصادی ایجاد ثبات در سیاست‌ها؛ کم کردن دخالت‌های دولت توسط بخش دولتی و شبه‌دولتی در بخش خصوصی و جلوگیری کردن از سیاست‌های (واگذاری بخش‌های سود ده در کنار دوگانه سهل گیرانه و سخت گیرانه در برابر بخش دولتی بخش‌های کم‌تر سود ده به بخش و خصوصی؛ شفاف‌سازی درآمدها و پاسخگویی دولت؛ خصوصی)- عدم انطباق عملکرد شفاف‌سازی نحوه نظارت دیوان محاسبات بر دولت با سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و دانشگاه‌ها؛ مشخص کردن شاخص‌های نظارت بر سیاست‌های مربوط (حرکت دولت به عملکرد دانشگاه‌ها؛ تعیین نوع و سطوح نظارت و سمت خصوصی‌سازی صحیح و پاسخگویی؛ استفاده دولت از اهرم‌های نظارتی به منظور کارآمد و اثربخش)- عدم تداوم ایجاد رقابت میان دانشگاه‌های خصوصی و یا مستقل؛</p>	<p>موانع در سیاست (ربیعی و نظریان، ۱۳۹۰)</p>

پیشنهادها و راهکارهای اصلاحی در جهت برخورد با موانع	انواع موانع تدوین و اجرا	موانع تدوین و اجرا (ربیعی و نظریان، ۱۳۹۰)
		سیاست‌های خصوصی‌سازی با ارزیابی کیفیت و کمیت آموزشی و اعتبار سنجی تمام تعویض سیاست‌گذاران و مدیران در مراکز خصوصی و دولتی و تمام برنامه‌ها و مدارک کشور- عدم وجود امکان نظارت توسط دولت. درست بر فعالیت‌های دولت (نبود نظام ارزیابی کارایی و اثربخشی دولت)
		موانع در ساختار وجود دیوان‌سالاری عمیق و کاغذبازی ثبات در روش‌های توسعه و مشارکت مردمی؛ کاهش اداری (کاهش و حذف فرایندهای زائد دیوان‌سالاری در کشور؛ از بین بردن فعالیت‌های دوگانه (ربیعی و اداری)- وجود مشکلات ساختاری در دانشگاه‌های دولتی؛ ایجاد پایگاه اطلاعات جامع از نظریان، ۱۳۹۰) نظام مدیریت آموزش عالی- نامناسب توانایی‌ها و ضعف‌های دانشگاه‌های خصوصی؛ تأسیس بودن و یا فقدان سیاست‌ها و روش‌های و راه‌اندازی بانک اطلاعات و قوانین و مقررات آموزش توسعه‌ی مشارکت مردمی (تشویق عالی و مصوب؛ تأمین، جذب و آموزش مدیران کارآمد مشارکت مردمی در نظام آموزش عالی و اثربخش در دانشگاه‌ها؛ تشکیل و تقویت هیئت‌های به‌عنوان حامی و مشاوره)- وجود امنای دانشگاه‌های خصوصی و غیرانتفاعی و مجامع فعالیت‌های دوگانه دانشگاه‌های دولتی آموزش در تمامی زمینه‌ها. (مانند دوره‌های شبانه و پردیس در کنار دوره‌های روزانه)
		موانع در فقدان آزادی علمی دانشگاه‌ها- اعتقاد انعطاف‌پذیری شیوه‌های آموزشی در مؤسسات آموزش به مدرک‌گرایی و کاهش کیفیت خصوصی؛ کاربردی کردن فعالیت‌های مؤسسات (ربیعی و آموزشی در صورت خصوصی‌سازی خصوصی؛ کاهش تمایز بین فارغ‌التحصیلان نظریان، ۱۳۹۰) دانشگاه‌ها (توجه به کمیت و کیفیت دانشگاه‌های دولتی و خصوصی با یکسان‌سازی خروجی و ورودی در نظام آموزش دوره‌های آموزشی و پژوهشی بین این دو بخش؛ عالی)- طبقه‌بندی و ایجاد تمایز بین حمایت مالی از اعضای هیئت‌علمی؛ ایجاد و توسعه دانشجویان و فارغ‌التحصیلان بانک دانشگاه؛ استفاده از سیستم پاداش و تسهیلات از دانشگاه‌های دولتی و خصوصی طریق رقابت و بر اساس شایستگی‌های نیروی انسانی؛ (رتبه‌بندی دانشگاه‌ها بر اساس حمایت از پژوهش؛ یافتن معیارهای اصولی برای اعطای شاخصه‌های مختلف و تمایز بین اعتبارات آموزشی و پژوهشی به مراکز خصوصی؛ ورودی‌ها و خروجی‌های نیروی اطمینان از وجود حداقل معیارها و موازین معتبر علمی انسانی از دانشگاه‌ها با رتبه‌های در امر آموزش و پژوهش و ارائه خدمات در دانشگاه‌ها مختلف در جذب در صنعت و بازار و دانشکده‌ها؛ ایجاد یک نظام پایش و نظارت و ارزیابی کار و ...)

پیشنهادها و راهکارهای اصلاحی در جهت برخورد با موانع	انواع موانع تدوین و اجرا	موانع تدوین و اجرا (ریبعی و نظریان، ۱۳۹۰)
کیفیت آموزش عالی؛ تشکیل گروه‌های مستقل و آزاد بررسی کیفی و کمی دانشگاه‌های خصوصی.		
	مورد روش‌های خصوصی‌سازی و آموزش عالی خصوصی در بین سیاست‌گذاران و مردم؛ فواید آن در سطح جامعه (اطلاع‌رسانی ایجاد کارگاه‌ها و کلاس‌های آموزشی برای مدیران و مقرران خصوصی‌سازی) - نگرش عالی کشور در خصوص استقلال دانشگاه‌ها؛ آگاه کردن منفی نسبت به خصوصی‌سازی آموزش مردم و صنعت از هزینه‌های آموزش عالی و بازگشت عالی (ایجاد نگرش مثبت در افکار سرمایه‌شان. عمومی نسبت به خصوصی‌سازی) - تمایل دولت در تسلط و دخالت در امور فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها و دانشجویان (کاهش دخالت دولت در تصدی‌گری) - ترس از تغییر در شرایط موجود (مثل تغییر در شرایط نیروی کار، اشتغال و ...) - عدم اعتماد در زمینه انتقال دانشگاه‌ها به‌دوراز دخالت‌های دولتی (از بخش دولتی به خصوصی) - ترس از فاصله گرفتن از ارزش‌های معنوی و دینی حاکم در سطح دانشگاه‌ها (حرکت به سمت مرزهای علمی و ارزش‌ها و آرمان‌های جهانی و اسلامی و ایرانی)	موانع در فرهنگ عدم شفافیت و نبود آگاهی لازم در اجتماعی و قانونمند کردن خصوصی‌سازی؛ گسترش و اجتماع (جامعه) (ریبعی و نظریان، ۱۳۹۰) مقرران خصوصی‌سازی) - نگرش عالی کشور در خصوص استقلال دانشگاه‌ها؛ آگاه کردن منفی نسبت به خصوصی‌سازی آموزش مردم و صنعت از هزینه‌های آموزش عالی و بازگشت عالی (ایجاد نگرش مثبت در افکار سرمایه‌شان. عمومی نسبت به خصوصی‌سازی) - تمایل دولت در تسلط و دخالت در امور فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها و دانشجویان (کاهش دخالت دولت در تصدی‌گری) - ترس از تغییر در شرایط موجود (مثل تغییر در شرایط نیروی کار، اشتغال و ...) - عدم اعتماد در زمینه انتقال دانشگاه‌ها به‌دوراز دخالت‌های دولتی (از بخش دولتی به خصوصی) - ترس از فاصله گرفتن از ارزش‌های معنوی و دینی حاکم در سطح دانشگاه‌ها (حرکت به سمت مرزهای علمی و ارزش‌ها و آرمان‌های جهانی و اسلامی و ایرانی)

این پژوهش به دنبال پایش و واکاوی در تدوین و اجرای سیاست‌های خصوصی‌سازی آموزش عالی است و برنامه‌ها و استراتژی‌های این بخش است. از این‌رو استراتژی‌ها و برنامه‌ها و سیاست‌های این بخش (تدوین و اجرا) بر اساس مصاحبه و اسناد و مدارک (ادبیات و پیشینه پژوهش) مرور شد و برای هرکدام در صورت لزوم راهکارهای پیشنهادی و اصلاحی آورده شد.

ابتدا عوامل دخیل رشد خصوصی‌سازی (تدوین و اجرا) آموزش عالی در جهان و ایران شناسایی شد و در ۲۲ محور (ناتوانی یا عدم تمایل دولت در پاسخگویی به تقاضاهای فزاینده به دلیل کمبود اعتبارات و کاهش هزینه سرانه دانشجویان - افزایش تقاضا برای ورود به آموزش عالی به دلیل تبدیل آموزش عالی از نخبه‌گرایی به توده‌گرایی - تغییرات جمعیت شناختی متقاضیان ورود به آموزش عالی - کاهش ظرفیت مؤسسات آموزش عالی دولتی - اثربخش نبودن و ناکارآمدی و افت کیفیت مؤسسات آموزش عالی دولتی - بهره‌گیری از الگوهای سنتی آموزش و یادگیری و ارزیابی در آموزش عالی دولتی - تأکید بر رشد خصوصی‌سازی آموزش عالی در برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان توسعه کشور و کاهش تصدی‌گری دولت - افزایش تقاضا برای رشته‌های تحصیلی متنوع و موردنیاز بازار کار - منابع، تجهیزات، فن‌آوری و زیرساخت‌های محدود در آموزش عالی بخش دولتی - افزایش نسبت دانشجو به هیئت‌علمی در آموزش عالی دولتی - کاهش اعتماد عمومی و رضایت دانشجویان از عملکرد آموزش عالی دولتی - ساختار بوروکراتیک و غیر منعطف مؤسسات آموزش عالی دولتی - تغییر روندهای بازار کار و نیاز به نیروی کار با تخصص متنوع - رشد نگرش به آموزش عالی به‌عنوان یک کالای خصوصی و در نتیجه مشارکت افراد در تأمین هزینه آموزش - رشد رویکرد بازار محوری و ورود منطق نیروهای بازار در نظام آموزش عالی - به‌کارگیری منابع بیشتر در آموزش عالی و استفاده اثربخش‌تر کردن از این منابع در آموزش عالی خصوصی - رشد پدیده جهانی‌شدن و تحولات ناشی از آن - رشد اهمیت و توجه به اقتصاد دانش‌محور در کشور - تغییر و تحولات سطح توسعه اقتصادی - اجتماعی - رشد نگرش به آموزش عالی به‌عنوان سریع‌ترین مسیر تحرک اجتماعی - لزوم رشد و توسعه آموزش عالی و اصلاحات ساختاری در این بخش - افزایش تقاضا برای آموزش عالی متنوع نسبت به بخش دولتی - تأکید و تشویق‌های سازمان‌های بین‌المللی همچون بانک جهانی و OECD به خصوصی‌سازی آموزش - پاسخ به کاهش نابرابری‌های موجود آموزشی در آموزش عالی دولتی) دسته‌بندی شدند و برای هر کدام پیشنهادها و راهکارهایی اصلاحی آورده شد. سپس الزامات خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران در بخش تدوین و اجرا آورده شد و در ۸ محور کلی قرار گرفتند و متناسب با هر بخش الزامی در تدوین و اجرا (الزامات سیاست‌گذاری و راهبردی - الزامات قانونی - الزامات مالی و اقتصادی - الزامات آموزشی و پژوهشی - الزامات مدیریتی و سازمانی - الزامات

اجتماعی و فرهنگی - الزامات زیرساختی - الزامات ارتباطی) بخشی به‌عنوان اجرا و پیشنهادها و راهکارهای اصلاحی اجرایی برای بخش تدوین و اجرا آورده شد. در ادامه نیز موانع تدوین و اجرا در ۶ محور (موانع قانونی - موانع اقتصادی - موانع سیاسی - موانع ساختاری اداری - موانع آموزشی - موانع فرهنگی و اجتماعی) دسته‌بندی شدند و پیشنهادها راهکارهای اصلاحی در جهت برخورد با موانع به تفکیک هر بخش آورده شد. ما در جهانی زندگی می‌کنیم که دارای محدودیت‌های زمانی و مکانی است و این پژوهش نیز از این امر مستثنا نیست. در نهایت به سایر پژوهشگران پیشنهاد داده می‌شود که این عنوان را در گروه‌های مختلف با محتوای مختلف دیگر بررسی کرده و نتایج آن را با نتایج این پژوهش مقایسه کنند و در جهت توسعه و تعمیم آن گام بردارند.

منابع

- آراسته، ح. ر. و جمشیدی، ل. (۱۳۹۳). عوامل تأثیرگذار بر توسعه کمی خصوصی سازی آموزش عالی در ایران. *مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز*، ۶(۲۱)، ۸۳-۱۱۲.
- اردشیری، م. (۱۳۸۷). خصوصی سازی در آموزش عالی: اهداف، روش‌ها، تأمین مالی و تحلیل هزینه. *فصلنامه مجلس و پژوهش*، ۱۴(۵۵)، ۳۴۹-۳۷۸.
- انتظاری، ی. (۱۳۸۸). *شصت سال آموزش عالی: تحقیقات و فناوری در ایران تهران*: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- آراسته، ح. ر. و اسفندیاری، ت. (۱۳۸۹). خصوصی سازی در آموزش عالی. *فصلنامه نشاء علم*، ۱۱(۱)، ۲۰-۱۱.
- آل آقا، ف؛ کشاورز، م. و رحیمی، م. (۱۳۸۷). روند رشد کمی آموزش عالی خصوصی و دولتی در کشور جمهوری اسلامی ایران. *دانش و پژوهش در علوم تربیتی، برنامه‌ریزی درسی*، ۲۰، ۷۳-۱۱۰.
- تسنیمی، ع. و سجادی، س. م. (۱۳۸۰). *نقدی بر مبانی نظری خصوصی سازی مراکز، آموزش عالی. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۲۰، ۱۵-۴۱.
- جانسون، ب. (۱۳۸۳). *خصوصی سازی آموزش عالی، مترجم، حمیدرضا آراسته، دایره المعارف آموزش عالی، انتشارات بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.*
- جاودانی و همکاران. (۱۳۸۳). *بررسی راه‌های افزایش دستیابی به آموزش عالی. تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.*

جمشیدی، ل.؛ آراسته، ح. ر.؛ نوه ابراهیم، ع.؛ زین‌آبادی، ح. ر. (۱۳۹۲)، توسعه کیفی خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران و پیش‌بایست‌های خرد، دو فصلنامه نوآوری و ارزش‌آفرینی، ۱(۳)، ۶۵-۸۸.

جونز، د. ر. (۱۳۷۶). خصوصی‌سازی در بخش آموزش عالی. ترجمه هادی شیرازی بهشتی، گزیده مقالات دایره‌المعارف آموزش عالی، ۴۸۹-۵۱۴.

ربیعی، ع.؛ نظریان، ز. (۱۳۹۰)، موانع خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران و ارائه راهکارهایی جهت رفع آن‌ها، فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، سال چهارم، شماره دوم، بهار، ۱۷۱-۲۰۶.

روشن، ا. ر. (۱۳۸). خصوصی‌سازی آموزش عالی در ایران تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، معاونت پژوهشی.

عزیزی، ن. (۱۳۸۵). درآمدی بر توسعه آموزش عالی در ایران (با تأکید بر علوم انسانی). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

غفرانی، م. ب. (۱۳۸۷). مسائل ساختاری نظام آموزش عالی ایران و راه‌های برون‌رفت از آن در برنامه چهارم تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

فتح‌الهی، ا.؛ یمنی، م.؛ صباغیان، ز.؛ فراست‌خواه، م.؛ قاضی طباطبایی، م. (۱۳۹۴). تحلیل محتوای برنامه‌های توسعه آموزش عالی با تمرکز تغییرات ساختاری و کارکردی استقلال نظام دانشگاهی. فصلنامه سیاست علم و فن‌آوری، ۷(۱)، ۲۷-۴۵.

قاضی نوری، س. ر.؛ کاظمی، ح.؛ روشنی، س.؛ ردایی، ن. (۱۳۹۴). بررسی اهداف و ابزارهای سیاستی در اسناد مرتبط با علم و فن‌آوری. فصلنامه سیاست علم و فن‌آوری، ۷(۳)، ۷۱-۸۶.

قریشی خوراسگانی، م. س.؛ یمنی دوزی سرخابی، م.؛ ذاکر صالحی، غ. ر.؛ مهران، گ. (۱۳۹۵). تحلیلی بر مطالعات انجام‌شده در زمینه خصوصی‌سازی آموزش عالی، فصلنامه سیاست علم و فن‌آوری، ۸(۱)، ۷۷-۹۱.

European commission. (2003). *Annual Innovation Policy Trends and Appraisal Report For Turkey*. A publication from the innovation / SMEs Programmme.

Soete, L. STRATA-ETAN Expert Group (2002). *Benchmarking National Research Policies: The Impact of RTD on Competitiveness and Employment (IRCE)*, European Commission, DG Research, Brussels.

European Commission. (2009). *The Open Method of Coordination in Research Policy: Assessment and Recommendations*. Brussels: DG Research.

OECD, F. M. (2002). *Proposed Standard Practice for Surveys on Research and Experimental Development. The Measurement of Scientific and Technological Activities Series*. Paris.

Tbilisi, G. (2002). *Private Higher Education*. UNESCO. Policy forum. No16. Available at: <http://www.bc.edu/cihe/>

- Altbach, P. G. (2006). *International higher education: Reflections on policy and practice* Center for International Higher Education, Boston College. Available at: <http://www.bc.edu/cihe/>.
- Smolicz, J. J. (1999). Privatization in higher education: Emerging commonalities and diverse educational perspective in the Philippines, Australia, Poland and Iran, *Journal of development and society*, 28(2), 228-250.
- Mora, J. G. (2005). Public-Private partnerships in Latin America: A review based on four case studies, prepared for the conference: mobilization the private sector for public education, Co- sponsored by world bank. Kennedy school of government, Harvard university. October. PP. 5-6.
- Llyall, K. C., & Sell, K. R. (2006). The de facto privatization of American public higher education. *Change: The Magazine of Higher Learning*, 38(1), 6-13.
- Akpotu, N. E., & Akpochofo, W. P., (2009). *An Analysis of Factors Influencing the Upsurge of Private Universities in Nigeria*, J SocSci, 18 (1), 21-27.
- Alemu, D. S. (2010). Expansion vs. Quality: Emerging Issues of For-profit Private Higher Education Institutions in Ethiopia, *International Review of Education*, 56, 51-61.
- Altbach, P. G. (2007). *The Private Higher Education Revolution: An Introduction*. Tiwari, S. (Ed). Education in India (217-227), Atlantic Publishers and Distributors.
- Altbach, P. G., & Levy, D. C. (2005). *Private Higher Education: A Global Revolution*, Sense Publishers, Netherlands.
- Altbach, P. G., Reisberg, L., & Rumbley, L. E. (2009). *Trends in Global Higher Education: Tracking an Academic Revolution*, Published by UNESCO.
- Baba, M. (2003). Who Should Pay for Higher Education? A Japanese Perspective, *Higher Education in Europe*, 28 (4), 559-568.
- Balbachevsky, E., & Schwartzman, S. (2011). *Brazil: Diverse Experiences in Institutional Governance in the Public and Private Sectors*, W. Locke et al. (Eds.). *Changing Governance and Management in Higher Education* (35-56), the Changing Academic Profession in International Comparative Perspective 2.
- Bernasconi, A. (2006). Does the Affiliation of Universities to External Organizations Foster Diversity in Private Higher Education? Chile in Comparative Perspective, *Higher Education*, 52, 303-342.
- Casillas, C. S. (2010). *The Growth of the Private Sector in Mexican Higher Education*, Kinsler, K. et al. (Eds), the Global Growth of Private Higher Education (9-21), Wiley Periodicals.
- Chae, J-E., & Hong, H. K. (2009). The Expansion of Higher Education Led by Private Universities in Korea. *Asia Pacific Journal of Education*, 29(3), 341-355.
- Crnkovic, B., & Pozega, Z. (2007). *Causes and models of privatization in higher education*. Interdisciplinary Management Research. Fourth Symposium. Faculty of Economics in Osijek. 124-134.
- DeAngelo, L., & Cohen, A. (2000). *Privatization: The Challenge ahead for Public Higher Education*. Report-Descriptive, Available at: http://www.eric.ed.gov/ERICWebPortal /search/ detailmini.jsp?_nfpb=true&_&ERICExtSearch_SearchValue_0=ED443310&ERICExtSearch_SearchType_0=no&accno=E D4433 10.
- Dennison, G. (2003). Privatization: An Unheralded Trend in Public Higher Education, *Innovative Higher Education*, 28 (1), 7-20.
- Fielden, J., & Cheng, K. (2009). *Financial Consideration*. Bjarnason, S. et al. (Eds.). A New Dynamic: Private Higher Education (29-49). UNESCO.

- Fielden, J., & LaRocque, N. (2008). *The Evolving Regulatory Context for Private Education in Emerging Economies*, Discussion paper. The World Bank Group, International Colloquium on Private Education.
- Geethanjali, V., & Prasad, Ch., & Raja, R. M. (2008). *Privatization of Higher Education: Some Issues*. Kishan, N. R. (Ed), Privatization of Education (46-57), A P H Publishing Corporation, Delhi.
- Ginsburg, M., Espinoza, O., Popa, S., & Terano M. (2006). Privatisation, Domestic Marketisation and International Commercialisation of Higher Education: vulnerabilities and opportunities for Chile and Romania within the framework of WTO/GATS, *Societies and Education*, 1 (3), 413-445.
- Goodman, R. (2010). *The Rapid Redrawing of Boundaries in Japanese Higher Education*, *Japan Forum*, 22 (1-2), 65-87.
- Ilusanya, G., & Oyebade, S. A. (2008). From Public University Dominance to Private University Policy Initiatives in Nigeria: The Push and Pull Factors, *Higher Education Management and Policy*, 20 (1), 71-88.
- Jantan, M., Chiang, C. H., Shahnnon, S., & Sibly, S. (Eds). (2006). *Enhancing Quality of Faculty in Private Higher Education Institutions in Malaysia*, Institute Penyelidikan Pendidikan Tinggi Negara.
- Kerekes, C. B. (2010). *Privatize It: Outsourcing and Privatization in Higher Education*, Hall, J.C. (Ed.). *Doing More with Less: Making Colleges Work Better* (235-247). New York: Springer.
- Kim, S., & Lee, J. H. (2006). Changing Facets of Korean Higher Education: Market Competition and the Role of the State, *Higher Education*, 52, 557-587.
- Kusumawati, A. (2010). Privatisation and Marketisation of Indonesian Public Universities: A Systematic Review of Student Choice Criteria Literature, *paper presented in The Indonesian Student International Conference*, Australia, 16-18 July.
- Kwiek, M. (2003). *The State, the Market, and Higher Education: Challenges for the New Century*, Kwiek, M. (Ed.). *The University, Globalization, Central Europe* (71-114). Frankfurt a/Main and New York: Peter Lang. 2003.
- Lane, J. E. (2010). *Private Higher Education in Dubai: Growing Local versus Importing Foreign Campuses*, Kinser, Kevin et al(Eds), *The Global Growth of Private Higher Education*, Wiley Periodicals, 63-75.
- Levy, D. C. (2011). Public Policy for Private Higher Education: A Global Analysis, *Journal of Comparative Policy Analysis: Research and Practice*, 13(4), 383-396.
- Martin, M., & Stella, A. (2007). *External Quality Assurance in Higher Education: Marketing Choices*. UNESCO, Available at: <http://www.bc.edu/cihe/>.
- McCowan, T. (2004). The Growth of Private Higher Education in Brazil: Implications for Equity and Quality, *Journal of Education Policy*, 19 (4), 453-472.
- McCowan, T. (2007). Expansion without Equity: An Analysis of Current Policy on Access to Higher Education in Brazil, *Higher Education*, 53, 579-598.
- Mok, K. H. (2011). *Liberalization of the Privatness in Higher Education: Funding Strategies, Changing Governance and Policy Implications in Asia*, Teixeira, P. N., & Dill, D. D. (Eds), *Public vices, private virtues? Assessing the effects of marketization in higher education* (19-43), Rotterdam. Sense Publishers.
- Nagaraju, M. T. V., & Suresh, K. (2008). Privatization in Higher Education, Kishan, N Ramnath (Ed), Privatization of Education (95-103). A P H Publishing Corporation, Delhi.
- Nicolescu, L. (2009). Applying Marketing to Higher Education: Scope and Limits, *Management & Marketing*, 4 (2), 35-44.
- Oketch, M. (2009). Public-Private Mix in the Provision of Higher Education in East Africa: Stakeholders' Perceptions, *Compare*, 39 (1), 21-33.

- Osokoya, I. O. (2007). Privatization of University Education in Africa: Lessons from the Theories and Practices of the United States of America and Japan, *International Journal of African & African American Studies*, VI (2), 1-10.
- Pachuashvili, M. (2007). *Changing Patterns of Private-Public Growth and Decline: The Case of Georgian Higher Education*, PROPHE working paper. Available at: <http://www.albany.edu/dept/eaps/prophe/>.
- Pachuashvili, M. (2011). Governmental Policies and their Impact on Private Higher Education Development in Post-Communist Countries: Hungary, Latvia, Lithuania and Georgia, 1990–2005, *Journal of Comparative Policy Analysis: Research and Practice*, 13 (4), 397-410.
- Praphamontriphong, P. (2010). *Public Policy and the Growth of Private Higher Education in Thailand*, Kinser, K. et al (Eds), *The Global Growth of Private Higher Education*, Wiley Periodicals, 77-90.
- Priest, D. M., & John E. P.S. (2006). *Privatization and Public Universities*. Indiana University Press.
- Ramos, A. R. (2009). *Access in Private University in Japan- J.F. Oberlin University Case Study*. Publishes Thesis presented to the University of Aveiro to fulfil the formalities essential to obtain the degree of European Master in Higher Education.
- Rizvi, F. (2006). *The Ideology of Privatization in Higher Education: A Global Perspective*, Priest, D. M., & John E. P.S. (Eds). *Privatization and Public Universities* (65- 86). Indiana University Press.
- Sanyal, B. C. (1998). *Diversification of Sources and the Role of Privatization in Financing of Higher Education in the Arab States Region*. International Institute for Educational planning/ UNESCO.
- Scott, G. (1997). *The Winds of Privatization: A Typology for Understanding the Phenomenon in Public Higher Education*, Annual meeting of the association for the study of higher education, Available at: http://www.eric.ed.gov/ERICWebPortal/search/detailmini.jsp?_nfpb=true&_&ERICExtSearch_SearchValue_0=ED415820&ERICExtSearch_SearchType_0=no&accno=ED415820.
- Shah, M., & Brown, G. (2009). *The Rise of Private Higher Education in Australia: Maintaining Quality Outcomes and Future Challenges*, In proceeding of AUQF, Internal & External Quality Assurance: Tensions & Synergies, 1–3 July, Australia, 143-150.
- Sivalingam, G. (2006). *Privatization of Higher Education in Malaysia*, Published by the Forum on Public Policy, Available at: <http://www.forumonpublicpolicy.com/archive07/sivalingam.pdf>.
- Slantcheva-Drust, S. (2010). *Private Higher Education in Bulgaria: Making a Difference*, Kinser, K. et al. (Eds), *The Global Growth of Private Higher Education* (37-50), Wiley Periodicals.
- Teixeira, P. (2009). *Mass Higher Education and Private Institution*, Higher Education to 2030, 2, OECD publication.
- Tham, S. Y. (2011). *Exploring Access and Equity in Malaysia's Private Higher Education*, ADBI Working Paper 280. Tokyo: Asian Development Bank Institute, Available at: <http://www.adbi.org/workingpaper/2011/04/19/4513.access.equity.malaysia.higher.educ/>
- Varghese, N. V. (2004). *Private Higher Education*, UNESCO.
- Wei, B. (2009). Formational Mechanism and Regional Growth Patterns of Private Higher Education in China”, *Chinese Education and Society*, 42 (6), 74–90.
- Welch, A. R. (2007). Blurred Vision? Public and Private Higher Education in Indonesia, *High Educ.*, 54, 665-687.
- White, B. P., & Eckel, P. D. (2008). *Collective Foresight: The Leadership Challenges for Higher Educations Future*, American Council of Education.

- Whitney, K. M. (2003). *The Privatization of Public Higher Education: The Relationship between State Control and State Funding of Public Institutions of Higher Learning*, (Doctoral dissertation), Retrieved from Google scholars, The University of Texas at Austin.
- Wilkinson, R., & Yussof, I. (2005). Public and Private Provision of Higher Education in Malaysia: A Comparative Analysis, *Higher Education*, 50, 361–386.
- Wongsothorn, T., & Wang, Y. (1995). *Private Higher Education in Asia and the Pacific: Final Report, UNESCO PROAP and SEAMEO RIHED*.
- Yussof, I., & Othman, J., & Wilkinson, R. (2008). *Demand for Private Higher Education in Malaysia: The Case of Twinning Program*, Universiti Kebangsaan Malaysia.

